



تاریخ دریافت: ۹۲/۶/۱۲

تاریخ پذیرش: ۹۳/۶/۳

دیدگاه دانشجویان درباره نقش عوامل اجتماعی در تعلیم و تربیت

محمدافخمی عقدا *

محمود کمالی زارچ **

شکو راوه نادر ***

چکیده

پژوهش حاضر باهدف بررسی دیدگاه دانشجویان درباره نقش عوامل اجتماعی در تعلیم و تربیت انجام شده است. روش پژوهش توصیفی از نوع پیمایشی است. همه‌ی شرکت کنندگان در این پژوهش دانشجویان دوره‌ی کارشناسی دانشگاه یزد در نیمسال دوم سال تحصیلی ۹۱-۱۳۹۰ بودند. بدین منظور ۴۰۵ نفر از دانشجویان دانشگاه یزد به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب شدند. ابزار تحقیق پرسشنامه‌ای نگرش سنج با ۶۳ ماده بود. داده‌ها با استفاده از آزمون‌های همبستگی پیرسون، من ویتنی و کروسکال والیس تحلیل شدند. نتایج نشان داد تمام عوامل اجتماعی مورد بررسی، شامل فرهنگ، خانواده، گروه‌های دوستی، ورزش و سرگرمی و ارتباطات و اطلاعات، به ترتیب ذکر شده بیشترین تأثیر را بر تعلیم و تربیت دارند و روابط معناداری بین جنسیت و اعتقاد به نقش عامل فرهنگ، وضعیت تاهل و شغل پدر و اعتقاد به نقش عامل خانواده، نوع سکونت با اعتقاد به نقش عامل گروه دوستی در تعلیم و تربیت مشاهده گردید. لذا در نظر گرفتن نقش این عوامل در برنامه‌ریزی‌های فرهنگی و اجتماعی دانشگاه‌ها توصیه می‌شود.

واژگان کلیدی: عوامل اجتماعی، تعلیم و تربیت، دانشجویان

* دکتری علوم تربیتی، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، مدرس دانشگاه پیام نور یزد

** استادیار، گروه روانشناسی، دانشگاه پیام نور

*** استاد، دانشکده علوم تربیتی، دانشگاه آموزگاری صدرالدین عینی، دوشنبه، تاجیکستان

مقدمه

دانشگاه‌ها در سده‌های میانه با هدف انتقال دانش و ارائه آموزش‌های تخصصی، فنی و مهارتی تأسیس شدند و در حال حاضر به عنوان مولد دانش و محور اصلی حرکت جوامع به سوی پیشرفت محسوب می‌شوند (آلتباخ ۱۳۷۹، ۱۱). کشورهای مختلف به منظور دستیابی به مرزهای توسعه اقتصادی و اجتماعی به دانشگاه‌ها متکی هستند تا علاوه بر تغذیه‌ی جریان علمی پیشرفت، نیروی انسانی متخصص در این جریان را نیز تأمین نمایند (کریمی، ۱۳۸۷). در کشور ما نیز هدف آموزش عالی از یک سو، تربیت و پرورش نیروی انسانی متخصص برای جامعه و پاسخگویی به بازار کار و از سوی دیگر پرورش و تربیت نیروی انسانی محقق، به منظور سازماندهی پژوهش و پیشبرد علم و دانش در سطح جامعه می‌باشد. (قنادان، ۱۳۸۸). یکی از کارکردهای دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، جامعه‌پذیر کردن دانشجویان است. عوامل متعددی مانند خانواده، گروه همسالان و دوستی، ورزش و سرگرمی و استفاده از وسایل ارتباط جمعی، چنانچه کارکرد و نقش مثبت خود را در جامعه ایفا نمایند موجب سهولت دستیابی به اهداف و گسترش و تقویت نظام آموزش عالی خواهند شد و چنانچه از کارکردهای مثبت خود عقب بیفتند بازدارنده‌ی جریان تعلیم و تربیت خواهند بود (توسلی، ۱۳۸۷).

از میان عوامل جامعه‌پذیری، خانواده به عنوان کوچکترین واحد اجتماعی، در تشکیل و هدایت عملکردهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اعضا نقش بسزایی دارد. تأثیرپذیری هویت فرزندان از دیدگاهها و رفتارهای تربیتی والدین و نقش آنان در شکل‌دهی به شخصیت کودکان و نوجوانان مورد توجه و تأکید روانشناسان بوده است (ساجدیان، ۱۳۸۵).

فرد به عنوان یک عضو در گروه‌های دوستی همانند خانواده مشارکت می‌کند. یکی از کارکردهای مهم گروه‌های دوستی، اجتماعی کردن جوانان و پرورش نگرش‌ها و مهارت‌های لازم جهت ایفای نقش بزرگسالی است که ضرورتاً نمی‌توان آنها را در خانواده آموزش داد (بیابانگرد، ۱۳۷۶). گروه‌های دوستی گروه‌های تربیتی کاملاً جهت‌دار تلقی می‌شوند که تشکیل آنها به تبع زندگی در یک محله یا همسایگی و یا تحصیل در یک مدرسه و دانشگاه صورت

می‌پذیرد و افراد در این گروه‌ها فرصتی برای تمرین مهارت‌های اجتماعی و نیز پاسخگویی به عواطف و احساسات خود پیدا می‌کنند (توسلی، ۱۳۸۷). همچنین گروه‌های دوستی می‌توانند در زمینه پرورش مهارت‌های زندگی، اجتماعی و تحصیلی دانشجویان موثر باشد (پرویزی، ۱۳۸۵).

فعالیت‌های ورزشی نیز می‌تواند علاوه بر نقشی که در رشد بدنی دارد عامل موثری در تسریع تحول روانی، اجتماعی دانشجویان و نیز تمرینی تدریجی برای کسب مهارت‌های طبیعی و اجتماعی باشد (رحیم‌زاده، ۱۳۸۲). دانشجویانی که بطور مداوم ورزش می‌کنند در حیطه‌های سلامت جسمانی، اضطراب، اختلال در کارکردهای اجتماعی و افسردگی از وضعیت بهتری برخوردار هستند (احمدی، ۱۳۸۵). اما متأسفانه، امروزه زندگی شهرنشینی و فقدان امکانات تفریحی، مشکلات زیادی در این مورد برای نسل جوان فراهم آورده و ابعاد تربیتی ورزش نیز نادیده گرفته شده است (عنصری، ۱۳۸۶). از دیگر عوامل اجتماعی، امکانات فناوری اطلاعات و ارتباطات است. از دهه پایانی قرن بیستم در بیشتر نقاط جهان جهش قابل توجهی در کاربرد فناوری اطلاعات و ارتباطات در آموزش عالی بوجود آمد چنانکه امروزه این امکانات فرآیند آموزش و یادگیری را تسهیل می‌کنند (پاسی، ۲۰۰۶؛ استانساکر، ۲۰۰۷، ۲ و ونگ، ۲۰۰۸، ۳).

فرهنگ نیز به عنوان عامل دیگر جامعه‌پذیر کردن افراد، ارزش‌های مشترک اکثریت یا گروه‌های عمده‌ای از افراد جامعه را انعکاس می‌دهد. آموزش و پرورش و آموزش عالی ضمن حفظ یگانگی اجتماعی، تحرک‌پذیری جامعه را چنان رقم می‌زنند که از ابتدایی‌ترین سال‌های زندگی کودک، بر مغز و شخصیت او اثر گذاشته‌و از این رهگذر، آسیبی به زیرساخت‌های اجتماعی تربیت وارد نیاید (گلشن فومنی، ۱۳۸۸). سئوال اصلی این پژوهش آنست که از دیدگاه دانشجویان شاغل به تحصیل در نظام آموزش عالی، هر یک از عوامل اجتماعی مذکور تا چه میزان بر جریان تعلیم و تربیت آنها مؤثر است.

1. Passey
2. Stnsaker
3. Wang

روش

روش این پژوهش توصیفی و از نوع پیمایشی است. جامعه مورد مطالعه، کلیه دانشجویان شاغل به تحصیل در دانشگاه یزد در نیمسال دوم سال تحصیلی ۹۱-۱۳۹۰ بوده است که تعداد آنها ۸۷۲۴ نفر (شامل ۳۳۲۵ مرد و ۵۳۹۹ زن) بوده است (سالنامه آماری یزد، ۱۳۹۰). حجم نمونه براساس جدول کریجسی و مورگان (۱۹۷۰) در حدود ۳۶۸ نفر بوده که به دلیل پیشگیری از افت آزمودنیها یا جبران حذف پرسشنامه‌های ناقص یا غیرمعتبر، با ده درصد اضافه به ۴۰۵ نفر افزایش یافت. با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای به نسبت جمعیت خرده طبقات جامعه آماری، ۱۵۴ نفر دانشجوی مرد و ۲۵۱ نفر دانشجوی زن انتخاب گردید.

با توجه به بومی بودن این مطالعه و عدم دستیابی به پرسشنامه معتبر در سوابق پژوهشی، ابزار جمع‌آوری اطلاعات، پرسشنامه محقق ساخته می‌باشد. پرسشنامه مذکور در دو بخش تدوین گردید. بخش نخست، اطلاعات جمعیت شناختی افراد در قالب ۷ ماده سؤال شامل سن، جنس، وضعیت تاهل، شغل پدر، شغل مادر، نوع محل سکونت و گروه تحصیلی رادرخواست می‌کرد. بخش دوم پرسشنامه به عنوان قسمت اصلی، دیدگاه دانشجویان را به نقش هریک از عوامل پنجانگانه اجتماعی در تعلیم و تربیت (خانواده، گروه‌های دوستی، ورزش و سرگرمی، فناوری اطلاعات و ارتباطات، فرهنگ) در قالب عبارات سئوالی در مقیاس لیکرت پنج‌درجه‌ای (از خیلی زیاد تا خیلی کم) می‌سنجید. تعداد عبارات سئوال در این بخش برای عامل خانواده ۱۳ عبارت، برای عامل گروه دوستی ۹ عبارت، برای عامل ورزش ۹ عبارت، برای عامل استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات ۱۴ عبارت و برای عامل فرهنگ ۱۱ (جمعاً ۵۶ سؤال) می‌باشد. پس از مراحل تهیه و تدوین فرم اولیه پرسشنامه و اعمال ضوابط روانسنجی در ساخت آن، جهت بررسی روایی محتوایی، پرسشنامه مذکور به شش نفر از متخصصین حوزه‌های علوم تربیتی، روانشناسی تربیتی و آموزش بهداشت ارائه و پس از دریافت نظرات ایشان و اعمال اصلاحات موردنظر، با اجرای پایلوت روی ۳۰ نفر از افراد جامعه تحقیق و با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ، ضریب پایایی عامل خانواده ۰/۸۲، گروه دوستی ۰/۷۰، ورزش

۹۳/، استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات ۷۵/، فرهنگ ۸۶/ و ضریب کل پرسشنامه برابر با ۸۲/ بدست آمد. همچنین به منظور بررسی روایی داده‌ها از روش تحلیل عاملی تاییدی ۱ استفاده گردید. با توجه به الگوی نظری پیشنهادی برای این پژوهش و سؤالات مطرح شده در پنج حیطه مذکور، نتایج نیکوئی برازش مدل نشان داد که الگوی پیشنهادی، برازش نسبتاً قابل قبولی با داده‌ها دارد.

تجزیه و تحلیل داده‌ها در دو سطح تحلیل توصیفی و استنباطی انجام شده است. در بخش توصیف داده‌ها علاوه بر جداول فراوانی از شاخص‌های میانه، میانگین و انحراف معیار به منظور توصیف طبقات گروه نمونه و نمرات آنان در زمینه نقش هر یک از عوامل اجتماعی در تعلیم و تربیت استفاده شده است. قبل از تحلیل سؤالات تحقیق به منظور بررسی پیش فرض نرمال بودن توزیع نمرات از آزمون کالموگراف اسمیرونوف استفاده گردید و از آنجا که این پیش فرض تأیید نشد از آزمون‌های ناپارامتریک مانند من-ویتنی یو و کروسکال والیس استفاده شد. فقط در یک مورد در بررسی رابطه بین سن دانشجویان با دیدگاه آنها درباره نقش هر یک از عوامل پنجگانه اجتماعی در تعلیم و تربیت از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است.

یافته‌ها

هدف این تحقیق اطلاع از دیدگاه دانشجویان درباره نقش هر یک از عوامل پنجگانه اجتماعی در تعلیم و تربیت در دوره دانشگاه و بررسی رابطه متغیرهای هفت‌گانه هویتی (سن، جنس، وضعیت تاهل، شغل پدر، شغل مادر، وضعیت سکونت و گروه تحصیلی) با هر یک از این عوامل بوده است. ابتدا فراوانی اعضای گروه نمونه بر اساس سطوح هر یک از متغیرهای هویتی در جدول شماره یک ارائه شده است:

▼ جدول ۱: توصیف گروه نمونه در سطوح هر یک از متغیرهای جمعیت شناختی

درصد	تعداد	سطوح متغیرها	متغیرهای جمعیت شناختی	درصد	تعداد	سطوح متغیرها	متغیرهای جمعیت شناختی
۸۳/۱	۳۳۵	خانه دار	شغل مادر	۳۶	۱۴۶	۱۸-۲۰	سن به سال
۳/۴	۱۴	ازاد		۵۷/۶	۲۳۳	۲۱-۲۵	
۱۳/۱	۵۲	کارمند		۶/۴	۲۶	۲۵ به بالا	
۰/۷۴	۳	سایر		۱۰۰	۴۰۵	جمع کل	
۱۰۰	۴۰۳	جمع کل		۶۲	۲۵۱	زن	
۴۱/۱	۱۶۷	با خانواده	نوع سکونت	۳۸	۱۵۴	مرد	جنس
۴۹/۷	۲۰۱	خوابگاه		۱۰۰	۴۰۵	جمع کل	
۹/۲	۳۷	استیجاری		۸۰/۵	۳۲۶	مجرد	وضعیت تأهل
۱۰۰	۴۰۵	جمع کل		۱۸/۵	۷۵	متاهل	
۳۲/۹	۱۳۳	علوم انسانی	گروه تحصیلی	۱	۴	متارکه	
۴۸/۶	۱۹۷	علوم تجربی		۱	۴۰۵	جمع کل	
۱۲/۶	۵۷	فنی مهندسی	شغل پدر	۵۲/۶	۲۱۰	آزاد	
۳/۲	۱۳	کشاورزی		۳۰/۱	۱۲۰	کارمند	
۲/۷	۱۱	هنر		۵/۵	۲۲	کارگر	
۱۰۰	۴۰۵	جمع کل		۵/۱	۲۰	بیکار	
				۶/۸	۲۷	سایر	
			۱۰۰	۳۹۹	جمع کل		

توزیع پراکندگی نفرات در جدول فوق نشان می‌دهد: از لحاظ توزیع سنی، بیشترین افراد انتخابی از لحاظ سنی متعلق به طبقه سنی ۲۵-۲۱ سال با ۵۷/۷ درصد و سپس طبقه سنی ۲۰-۱۸ سال با ۳۶ درصد بوده‌اند. در متغیر جنس بیشترین افراد انتخابی را (۶۲ درصد) دانشجویان دختر و ۳۸ درصد را دانشجویان پسر، در متغیر وضعیت تأهل، بخش مهمی از دانشجویان را دانشجویان مجرد (۸۰/۵ درصد)، از لحاظ شغل پدر، شغل پدر اکثر دانشجویان (۵۲/۶ درصد) آزاد و شغل مادر اکثر آنان نیز (۸۳/۱ درصد) خانه‌دار و از لحاظ گروه تحصیلی نزدیک به ۴۸/۸ درصد دانشجویان گروه نمونه از گروه علوم پایه و پس از آن بیشترین افراد منتخب از گروه تحصیلی علوم انسانی بوده‌اند. در متغیر نوع سکونت نیز نزدیک به نیمی از دانشجویان گروه نمونه (۴۸/۸ درصد) در خوابگاه و پس از آن ۴۱ درصد در کنار خانواده سکونت داشته‌اند. مجموعه این توصیف نشان می‌دهد گروه نمونه به طور تصادفی در سطوح مختلف هر یک از متغیرهای طبقه‌ای توزیع شده و احتمالاً پراکندگی خوبی از لحاظ متغیرهای اصلی تحقیق نشان خواهند داد.

جدول شماره ۲ توزیع پراکندگی دیدگاه دانشجویان درباره نقش هر یک از عوامل اجتماعی در تعلیم و تربیت را نشان می‌دهد. به این ترتیب براساس شمارش پاسخها در هر یک طبقات مقیاس نظرسنجی، از نظر دانشجویان به ترتیب عامل فرهنگ با ۹۳/۲ درصد، عامل خانواده با ۸۸/۴ درصد، عامل گروه دوستی با ۸۴/۹ درصد، عامل ورزش با ۷۸/۲ درصد و استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات با ۶۷/۹ درصد به صورت زیاد و خیلی زیاد بر تعلیم و تربیت اثر دارند.

▼ جدول ۲: توزیع فراوانی نظرات دانشجویان درباره میزان نقش هر یک از عوامل پنج‌گانه اجتماعی در تعلیم و تربیت و اولویت تاثیر آنها

رتبه بندی تاثیر بر مبنای مقیاس امتیاز کسب شده از متوسط و بالاتر زیاد و بالاتر	خیلی کم		کم		متوسط		زیاد		خیلی زیاد		طبقات مقیاس شماخص‌ها سوالات اصلی	
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی		
۲	۸۸٫۴	-	-	۱/۳	۳	۱۰/۸	۴۴	۶۲/۸	۲۵۴	۲۵/۶	۱۰۴	آیا عامل اجتماعی خانواده بر تعلیم و تربیت دانشجویان تاثیر دارد؟
۳	۸۴٫۹	-	-	۱/۴۹	۲	۱۴/۵	۵۹	۷۱/۴	۲۸۹	۱۳/۵	۵۵	آیا گروه‌های دوستی بر تعلیم و تربیت دانشجویان تاثیر دارد؟
۴	۷۸٫۲	-	-	۴/۷	۱۹	۱۷	۶۹	۴۷	۱۹۰	۳۱/۲	۱۲۷	آیا ورزش بر تعلیم و تربیت دانشجویان تاثیر دارد؟
۵	۶۷٫۹	۱/۲۴	۱	۳/۹	۱۶	۲۷/۸	۱۱۳	۴۸/۷	۱۹۷	۱۹/۲	۷۸	آیا فناوری اطلاعات و ارتباطات بر تعلیم و تربیت دانشجویان تاثیر دارد؟
۱	۹۳٫۲	-	-	-	-	۶/۶۵	۲۷	۵۰/۴	۲۰۴	۴۲/۸	۱۷۴	آیا فرهنگ بر تعلیم و تربیت دانشجویان تاثیر دارد؟

جدول شماره (۳ و ۴) توزیع پراکندگی دیدگاه دانشجویان درباره نقش عوامل پنج گانه اجتماعی در تعلیم و تربیت رابه تفکیک سطوح هر یک از متغیرهای جمعیت شناختی (جنس، وضعیت تاهل، شغل پدر، شغل مادر، وضعیت سکونت و گروه تحصیلی) و رابطه همبستگی بین آنها را نشان می دهد. درباره تفاوت دیدگاه دانشجویان دختر و پسر درباره نقش هر یک از عوامل اجتماعی در تعلیم و تربیت نتایج آزمون من ویتنی نشان داد تفاوت معناداری بین دیدگاه این دو گروه در هیچیک از ابعاد عوامل اجتماعی تعلیم و تربیت غیر از عامل فرهنگ وجود ندارد. در این عامل دختران بیشتر از پسران عامل فرهنگ را بر تعلیم و تربیت موثر دانسته اند. درباره رابطه وضعیت تاهل با دیدگاه دانشجویان به نقش هر یک از عوامل پنج گانه در تعلیم و تربیت، نتایج آزمون کروسکال والیس نشان داد دانشجویان فقط در وضعیت های مختلف تاهل، دیدگاه متفاوت معناداری نسبت به نقش عامل خانواده در تعلیم و تربیت داشته اند و مابقی عوامل اجتماعی با متغیر مذکور رابطه ای نشان نداده است. همچنین نتایج آزمون کروسکال والیس درباره بررسی رابطه شغل پدر با دیدگاه دانشجویان به نقش عوامل پنج گانه اجتماعی در تعلیم و تربیت نشان داد که شغل پدر فقط با اعتقاد به نقش عامل خانواده در تعلیم و تربیت رابطه معنی دار دارد و دانشجویانی که شغل پدر آنها کارمند بوده است (در مقایسه با مشاغل سایر پدران) تاثیر عامل خانواده بر تعلیم و تربیت را بیشتر ارزیابی کرده اند. دیدگاه دانشجویان درباره نقش عوامل پنج گانه اجتماعی در تعلیم و تربیت از نظر سطوح شغل مادر و گروه تحصیلی، با هیچکدام از عوامل اجتماعی رابطه ای معنادار نشان نداده است. اما دیدگاه دانشجویان به نقش عامل گروه دوستی در تعلیم و تربیت با وضعیت محل سکونت آنها رابطه معنی دار نشان داده است. دانشجویان مستاجر نقش گروه دوستی در تعلیم و تربیت را موثرتر دانسته اند.

▼ جدول ۳: مقایسه دیدگاه دانشجویان درباره نقش عوامل پنج‌گانه اجتماعی (خانواده، ورزش، گروه دوستی) در تعلیم و تربیت به تفکیک سطوح متغیرهای جمعیت شناختی و آزمون تفاوت بین دیدگاه‌ها

سطح معناداری	نمره گروه دوستی			سطح معناداری	نمره ورزش			سطح معناداری	نمره خانواده			عامل اجتماعی	
	انحراف	میانگین	میان		انحراف	میانگین	میان		انحراف	میانگین	میان	متغیر	
												جنس	نقل
۰/۵۶	۴/۷	۳۱	۳۱/۶	۰/۳۷	۷/۴	۳۳	۳۲/۹	۰/۴۱	۷/۴	۴۸	۴۷/۵	زن	جنس
	۳/۹	۳۲	۳۱/۸		۷/۱	۳۳	۳۲/۵		۶/۳	۴۷	۴۶/۹	مرد	
۰/۲۰	۴/۴	۳۱	۳۱/۶	۰/۱	۷/۲	۳۳	۳۲/۷	۰/۰۱۷ *	۶/۹	۴۸	۴۷/۶	مجرد	نقل
	۴/۱	۳۲	۳۲/۱		۶/۸	۳۴	۳۳/۴		۶/۲	۴۶	۴۶/۸	متاهل	
	۸/۸	۲۵	۲۵/۲		۱۱	۲۳	۲۲/۷		۱۰/۹	۳۱/۵	۳۲/۲	متارکه	
۰/۳۶	۴/۵	۳۱	۳۱/۳	۰/۸۹	۷/۲	۳۳	۳۲/۷	۰/۰۱۲ *	۶/۷	۴۷	۴۷/۳	آزاد	شغل پدر
	۴/۳	۳۲	۳۲/۱		۶/۷	۳۳	۳۲/۹		۷	۴۹	۴۸/۷	کارمند	
	۳/۷	۳۲/۵	۳۲/۲		۶/۵	۳۱/۵	۳۱/۷		۷/۶	۴۴/۵	۴۴/۴	کارگر	
	۶/۷	۳۲/۵	۳۱/۶		۷	۳۴	۳۱/۶		۷/۸	۴۳	۴۳/۳	بیکار	
	۳/۴	۳۱	۳۲		۷/۱	۳۴	۳۳/۷		۶/۹	۴۷	۴۷/۴	سایر	
۰/۱۲	۴/۳	۳۱	۳۱/۵	۰/۱۴	۷	۳۳	۳۲/۶	۰/۷۱	۶/۸	۴۷	۴۷/۳	خانه دار	شغل مادر
	۴/۹	۳۱	۲۹/۴		۸/۸	۳۳/۵	۳۰/۳		۸/۳	۴۰/۷	۴۵/۵	آزاد	
	۵	۳۲	۳۳		۸/۳	۳۶	۳۴		۷/۵	۴۸	۴۸	کارمند	
	۲/۱	۳۳	۳۲/۳		۴/۷	۳۶	۳۷/۶		۶/۸	۵۲	۴۹/۶	سایر	
۰/۰۳ *	۴/۷	۳۱	۳۱/۸	۰/۹	۶/۸	۳۳	۳۳	۰/۴۲	۶/۶	۴۸	۴۷/۷	با خانواده	وضعیت سکونت
	۴/۲	۳۱	۳۱/۳		۷/۳	۳۳	۳۲/۷		۷	۴۷	۴۷/۳	خوابگاه	
	۴/۳	۳۳	۳۳		۸/۹	۳۴	۳۱/۷		۸/۴	۴۶	۴۵/۷	مستاجر	

سطح معناداری	نمره گروه دوستی			سطح معناداری	نمره ورزش			سطح معناداری	نمره خانواده			عامل اجتماعی	
	انحراف	میانگین	میان		انحراف	میانگین	میان		انحراف	میانگین	میان	متغیر	
۰/۳۱	۴/۴	۳۲	۳۱/۷	۰/۵۲	۶/۶	۳۳	۳۳	۰/۱۶	۶/۵	۴۶	۴۶/۵	انسانی	گروه تحصیلی
	۴/۳	۳۲	۳۱/۸		۷/۴	۳۳	۳۲/۸		۶/۸	۴۸	۴۸/۱	تجربی	
	۵	۳۱	۳۱/۳		۸/۱	۳۰	۳۱/۵		۷/۳	۴۶	۴۶/۳	فنی	
	۴/۶	۳۰	۲۹/۸		۹/۱	۳۴	۳۳/۴		۱۰/۱	۴۹	۴۹/۲	کشاورزی	
	۴/۳	۳۳	۳۴		۵/۵	۳۷	۳۵/۲		۸/۱	۴۷	۴۵/۷	هنر	

رابطه معنادار است $P > 0.05$ *

▼ جدول ۴: مقایسه دیدگاه دانشجویان درباره نقش عوامل پنج‌گانه اجتماعی (فناوری اطلاعات و فرهنگ) در

تعلیم و تربیت به تفکیک سطوح متغیرهای جمعیت شناختی و آزمون تفاوت بین دیدگاه‌ها

سطح معناداری	نمره فرهنگ			سطح معناداری	نمره فناوری اطلاعات و ارتباطات			عامل اجتماعی	
	انحراف	میانگین	میان		انحراف	میانگین	میان	متغیر	
۰/۰۰۱	۵/۵	۴۴	۴۳/۳	۰/۴۵	۱۱	۴۷/۶	۴۸/۳	زن	جنس
	*	۶/۱	۴۲		۴۱/۵	۱۰/۲	۴۷/۶	۴۷/۶	
۰/۴۰	۵/۹	۴۳	۴۲/۶	۰/۱۸	۱۰/۷	۴۷/۶	۴۸/۴	مجرد	تاهل
	۴/۹	۴۳	۴۳/۲		۱۰/۱	۴۷/۶	۴۶/۶	متاهل	
	۹/۷	۴۱	۳۷/۲		۲۲/۵	۶۰/۲	۵۰/۴	متارکه	

سطح معناداری	نمره فرهنگ			سطح معناداری	نمره فناوری اطلاعات و ارتباطات			عامل اجتماعی	
	انحراف	میانگین	میان		انحراف	میانگین	میان	متغیر	
۰/۱۹	۵/۶	۴۳	۴۲/۲	۰/۶۰	۱۰/۹	۴۷/۶	۴۸/۷	آزاد	
	۶	۴۴	۴۳/۴		۹/۶	۴۷/۶	۴۷/۸	کارمند	
	۷/۶	۴۰/۵	۳۹/۶		۱۲/۷	۴۶/۲	۴۶/۷	کارگر	
	۴/۸	۴۳/۵	۴۳		۱۰/۵	۴۷/۶	۴۵/۴	بیکار	
	۵/۴	۴۳	۴۲/۵		۱۱/۵	۴۷/۶	۴۸/۲	سایر	
۰/۳۹	۵/۶	۴۳	۴۲/۵	۰/۶۸	۱۰/۹	۴۷/۶	۴۸/۳	خانه دار	
	۴/۷	۴۲/۵	۴۱/۸		۹/۹	۴۷/۶	۴۸/۲	آزاد	
	۷/۴	۴۵	۴۳/۲		۹/۵	۴۷/۶	۴۶/۴	کارمند	
	۵/۵	۴۴	۴۴/۳		۱۴/۳	۵۰/۴	۵۴/۱	سایر	
۰/۹۷	۵/۲	۴۳	۴۲/۸	۰/۰۵۹	۹/۸	۵۰/۴	۴۹/۴	با خانواده	
	۶/۲	۴۳	۴۲/۵		۱۰/۹	۴۷/۶	۴۷/۴	خوابگاه	
	۶/۱	۴۴	۴۲/۵		۱۲/۹	۴۷/۶	۴۵/۷	مستاجر	
۰/۳۶	۵/۳	۴۳	۴۲/۸	۰/۷۶	۱۰/۴	۴۷/۶	۴۷/۸	انسانی	
	۶/۱	۴۳	۴۲/۸		۱۱/۱	۴۷/۶	۴۸/۳	تجربی	
	۵/۱	۴۲	۴۱/۴		۹/۶	۴۷/۶	۴۹	فنی	
	۷/۵	۴۴	۴۲/۷		۱۳/۵	۴۷/۶	۴۶/۳	کشاورزی	
	۸/۴	۴۶	۴۲/۱		۹/۹	۴۷/۶	۴۵/۳	هنر	

لازم به ذکر است در تحلیل رابطه متغیر جنس با عوامل اجتماعی از آزمون من‌ویتنی و در تحلیل بقیه رابطه‌ها از آزمون کروسکال والیس استفاده شده است. جدول شماره (۵) ماتریس ضرایب همبستگی دوتایی بین دیدگاه دانشجویان به نقش عوامل پنج‌گانه اجتماعی

در تعلیم و تربیت و سن آنها را نشان می‌دهد. بر این اساس بین سن دانشجویان با دیدگاه آنها به نقش هیجیک از عوامل پنج‌گانه اجتماعی در تعلیم و تربیت رابطه معنی‌داری وجود ندارد. همچنین به غیر از رابطه میان دیدگاه دانشجویان به نقش دو عامل گروه دوستی و استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات در تعلیم و تربیت که معنادار نشده است، بین دیدگاه دانشجویان به نقش سایر عوامل (فرهنگ، خانواده، ورزش و سرگرمی) به صورت رابطه زوجی همبستگی معناداری نشان داده است.

▼ جدول ۵: تعیین ضریب همبستگی پیرسون بین سن با عوامل اجتماعی و با همدیگر

عوامل	خانواده	ورزش	گروه دوستی	ارتباطات	فرهنگ
سن	$r = 0/020$ $p = 0/629$	$r = 0/046$ $p = 0/356$	$r = 0/002$ $p = 0/965$	$r = 0/02$ $p = 0/565$	$r = 0/054$ $p = 0/278$
خانواده	۱	$r = 0/283$ $p < 0/001$	$r = 0/105$ $p = 0/034$	$r = 0/35$ $p < 0/001$	$r = 0/321$ $p < 0/001$
ورزش		۱	$r = 0/154$ $p = 0/002$	$r = 0/290$ $p < 0/001$	$r = 0/390$ $p < 0/001$
گروه دوستی			۱	$r = 0/044$ $p = 0/381$	$r = 0/175$ $p < 0/001$
ارتباطات				۱	$r = 0/370$ $p < 0/001$
فرهنگ					۱

رابطه معنادار است * $P > 0/05$

نتیجه‌گیری

بر اساس نتایج این مطالعه ۸۸٫۴ درصد از دانشجویان برای عامل خانواده نقشی زیاد و خیلی زیاد در تعلیم و تربیت قائل هستند. این یافته با نتایج مطالعه حکاک نیا (۱۳۸۶) که در آن

عامل خانواده و رفتارهای اعضای آن (رفتارهایی مانند: دوستی، محبت، پذیرش و احترام متقابل و ایجاد احساس امنیت و آرامش) نقش معناداری در رشد اجتماعی و اعتماد به نفس و قدرت سازگاری بیشتر فرزندان داشته است همسومی باشد (حکاک نیا، ۱۳۸۶). مونتمایور (۱۹۸۳) روابط والدین با فرزندانشان در طول دوره نوجوانی و جوانی راکاهش یافته و متوجه عوامل بیرون از خانواده تلقی می‌کند که بر روند رشد اجتماعی آنان تأثیرگذار است. خانواده اولین مکان رشد شخصیت است که در مقابله با منابع استرس و آسیب شناسی رفتار نوجوان مؤثر بوده و در صورت عدم ایفای نقش صحیح، منبعی برای شکل‌گیری تنش می‌باشد (اسلام دوست، ۱۳۸۹).

همچنین در پژوهش حاضر ۸۴/۹ درصد دانش‌جویان معتقد به نقش خیلی زیاد و زیاد عامل گروه‌های دوست‌یاد در تعلیم و تربیت بوده‌اند. این یافته به نوعی در مطالعات بیابانگرد (۱۳۷۶)، حکاک نیا (۱۳۸۶) و باقری (۱۳۸۹) تکرار شده و با این تحقیقات همسو می‌باشد. از نظر حکاک نیا دانشگاه و مدرسه در پیوستن به گروه‌های دوستی و اجتماعی بار آوردن دانشجو و دانش‌آموز عامل بسیار موثری می‌باشند که حتی اثر آن در دوره نوجوانی و جوانی بیش از خانواده است. همچنین استادان و مربیان باید در تدریس خود، روش‌هایی را به کارگیرند که دانش‌جویان به طور غیرمستقیم مجبور به ارائه تحقیق گروهی و گزارش نتیجه به همکلاسان خود باشند تا از این طریق مهارت‌های اجتماعی آنان تقویت گردد (حکاک نیا، ۱۳۸۶).

در تبیین نقش عامل دوستی و گروه‌های دوستی در تعلیم و تربیت باید گفت نوجوانان و جوانان همبستگی متقابل، دوستی داشتن و دوست بودن را بسیار مهم تلقی می‌کنند و دوستی‌ها برای آنان زمینه مناسبی برای اجتماعی شدن توأم با نشان دادن حس همکاری است (بیابانگرد، ۱۳۷۶). علاوه بر این گروه دوستی شامل، حلقه‌های دوستانه در محلات و مناطق مختلف شهر و روستا و گروه‌های علمی و فرهنگی اجتماعی در مدارس و دانشگاه‌ها است که اعضای آنها موقعیت‌های اجتماعی برابر و پیوندهای نزدیکی با هم دارند و می‌آموزند

چگونه خود را با طرز تلقی‌ها و ارزش‌های همسالان تطبیق دهند و نقش همکاری ایفا کنند و رشد نمایند (باقری، ۱۳۸۹).

در پژوهش فوق بیش از ۷۸٫۲ درصد دانشجویان معتقد به نقش خیلی زیاد و زیاد عامل ورزش در تعلیم و تربیت می‌باشند. این یافته با نتایج مطالعه احمدی (۱۳۸۵) تحت عنوان تاثیر ورزش بر سلامت روانی دانشجویان همخوانی دارد که در آن تفاوت معناداری بین گروه‌های کنترل و آزمایش از لحاظ سلامت روانی گزارش شده است (احمدی، ۱۳۸۵). ناصری (۱۳۸۷) نیز پرداختن به ورزش را موجب لذت و رشد اجتماعی و یادگیری بهتر میدانند. علاوه بر این فعالیت بدنی و ورزش می‌تواند عامل موثری در تسریع اجتماعی شدن و تحول روانی و اجتماعی باشد (رحیم زاده، ۱۳۸۲).

در تحقیق حاضر ۶۷٫۹ درصد دانشجویان معتقد به تاثیر نقش خیلی زیاد و زیاد عامل ارتباطات و اطلاعات در تعلیم و تربیت می‌باشد. حسن زاده در پژوهش خود تحت عنوان کاربرد فناوری اطلاعات و ارتباطات در دانشجویان بیان می‌کند که این عامل در دنیای امروز به شدت در روابط اجتماعی تأثیر گذاشته است (حسن زاده، ۱۳۸۹) ایزن باخ یکی از بهترین روشهای آموزشی برای قشر جوان را استفاده از وسایل دیداری، شنیداری و فناوری اطلاعات می‌داند که هر چه این وسایل با توجه به سن و فرهنگ جامعه مورد نظر جذاب تر باشد نتیجه آموزش مثبت تر خواهد بود (ایزنباخ، ۱، ۲۰۰۱). بنابراین بین دانش و آگاهی معلمان از فناوری آموزشی و کاربرد وسایل آموزشی از سوی معلمان در فرآیند یاددهی و میزان یادگیری رابطه معنی دار وجود دارد (کریمی علویجه، ۱۳۸۸: ۱۳۸۸). علاوه بر این فن آوری اطلاعات و ارتباطات، الگوی فکری آموزش را دگرگون و مدل‌های موجود را غنی تر می‌کند. بنابراین دانشگاه‌ها قادرند رویکردهای یاددهی یادگیری فعال، همیاری، انعطاف‌پذیری و یادگیرنده محوری را تشویق نموده و یادگیری دانشجویان را ارتقاء دهند (فرج‌اللهی، ۱۳۸۸).

اکثر دانشجویان (۹۳٫۲ درصد) معتقد به نقش خیلی زیاد و زیاد عامل فرهنگ در تعلیم و تربیت بوده‌اند. در مطالعات موجود متغیرهای مشارکت اجتماعی، جنسیت، وضعیت

تاهل، سن، تحصیلات و شغل با اعتماد اجتماعی رابطه معنی‌دار داشته‌اند (قریشی راد، ۱۳۸۸). قانعی‌راد (۱۳۸۵) نیز تمایل دختران به ادامه تحصیل را علاوه بر نمود انتظارات فردی، دارای معانی فرهنگی و اجتماعی می‌داند که از تمایل‌شان برای مشارکت نمادین در ساختن خانواده آینده‌اشان حکایت دارد (قانعی راد، ۱۳۸۵).

رابطه بین سن افراد با دیدگاهشان درباره نقش هر یک از عوامل پنج‌گانه در روند رشد تعلیم و تربیت در هیچ‌کدام از موارد تأیید نشد. از آنجا که هیچ سابقه پژوهشی قبلی این موضوع را بررسی نکرده است لذا در تبیین این یافته دو دلیل محتوایی و روش‌شناختی می‌توان ارائه کرد: از لحاظ سن بررسی رابطه این دو متغیر براساس این نتیجه به نظر می‌رسد دانشجویان در هر سطح سنی که باشند دیدگاه متفاوتی نسبت به نقش عوامل نداشته و نوعی یکنواختی در دیدگاهها وجود دارد اما دلیل مهمتر ممکن است روش‌شناختی باشد از آنجا که اکثر دانشجویان در یک دامنه سنی مشخص و محدود هستند، پراکندگی دیدگاهها در دامنه سنی به خوبی نشان داده نشده بنابراین با فاصله سنی سه یا چهار سال، افراد تفاوتی نسبت به نگرش بر مقوله مورد بررسی نداشته است.

پژوهش حاضر نشان داد اختلاف معناداری بین جنسیت افراد و دیدگاهشان به نقش عامل فرهنگ در تعلیم و تربیت وجود دارد. این یافته با نتایج تحقیق دانشور مقدم (۱۳۸۴) که در آن بین جنسیت و رشد اجتماعی رابطه معناداری وجود داشته است همخوانی دارد. همچنین بین استفاده از رسانه‌های جمعی و جنسیت رابطه معناداری وجود ندارد. این یافته نیز با مطالعه‌ای که در آنبین میزان استفاده دانش‌آموزان پسر و دختر از رسانه‌های گروهی تفاوتی نبوده است همخوان است (میرزایی، ۱۳۸۸).

دیدگاه دانشجویان نسبت به نقش عوامل پنج‌گانه در تعلیم و تربیت براساس وضعیت تاهل نشان می‌دهد که فقط با عامل خانواده، رابطه معنادار وجود دارد. به نظر می‌رسد علت این باشد که ابعاد مذکور احتمالاً رابطه بیشتری با ماهیت و ساختار خانواده داشته و بار خانوادگی و اجتماعی آن در خانواده‌ها بیشتر باشد. لذا افراد از لحاظ وضعیت تاهل دیدگاههای متفاوتی نشان داده‌اند. مطالعه حاضر نشان داد از بین عوامل اجتماعی خانواده، گروه دوستی، ورزش و سرگرمی، ارتباطات و فناوری و فرهنگ، فقط بین عامل خانواده و شغل پدر رابطه معناداری

وجود دارد. این یافته بانتيجه مطالعه پورمحمدی که در آن بين مشاغل والدين ورشد اجتماعي فرزندان رابطه معناداري وجود دارد همسو مي باشد (پورمحمدی، ۱۳۸۳).

درباره تفاوت بين ديدهگاه افراد درباره نقش عوامل پنج گانه اجتماعي در تعليم و تربيت بر اساس وضعيت سکونت آنها، نتايج نشان داد که نوع سکونت فقط با عامل گروه دوستي رابطه معني داري نشان داده است. در بررسي پيشينه موضوع سابقه خاصي در حمايت يا مخالفت با اين يافته مشاهده نشده است. به نظر مي رسد از آنجا که ديدهگاه و نگرش افراد به مقوله عوامل موثر در تعليم و تربيت يک بافت ذهني و شناختي دارد و بيشتر به باورهاي اجتماعي افراد مربوط مي شود، نوع سکونت نمي تواند اين ديدهگاه را تغيير دهد.

در تحليل نتايج حاصل از تفاوت ديدهگاه دانشجويان نسبت به نقش عوامل پنج گانه در تعليم و تربيت بر اساس گروه تحصيلي، بين گروه هاي تحصيلي دانشجويان باهيچيک از عوامل پنج گانه اجتماعي رابطه معني داري نشان داده نشده است و هيچ پيشينه پژوهش همسو يا ناهمسو با نتايج پژوهش حاضر يافت نشد. با بررسي پيشينه نظري و ادبيات موجود در زمينه عوامل اجتماعي موثر در نظام آموزش عالي، به نظر مي رسد از آنجا که دانشجويان با سوابق تحصيلي مختلف به ادامه تحصيل در گروه هاي تحصيلي دانشگاهي وارد مي شوند لذا نمي توان با قاطعيت گفت که مباني تفکر و شيوه انديشيدن دانشجويان در هر گروه هاي مختلف تحصيلي حتماً با مباني علمي و روش شناختي علوم در همان گروه تحصيلي پيوند دارد و لذا نمي توان انتظار داشت ديدهگاه هاي دانشجويان نسبت به يک موضوع بر اساس گروه هاي تحصيلي آنان متفاوت باشد.

نيجه گيري نهايي اينکه دانشجويان تمام عوامل اجتماعي مورد بررسي شامل فرهنگ، خانواده، گروه هاي دوستي، ورزش و سرگرمي، ارتباطات و اطلاعات را بر تعليم تربيت موثر دانسته اند که اين نتايج براي برنامه ريزان دانشگاه ها، مديران اجرايي، اساتيد، دانشجويان و خانواده ها و همچنين پژوهشگران به فراخور شرايط و موقعيت کاري کاربرد دارد.

منابع

- آلتباخ، فردریک (۱۳۷۹). آموزش عالی در قرن بیست و یکم، ترجمه مهدی عباسی، انتشارات دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- احمدی عزت ا...، شیخ عزیززاده سیاووش، شیر محمدزاده محسن (۱۳۸۵). بررسی آزمایش تأثیر ورزش بر سلامت روانی دانشجویان، مجله حرکت، شماره ۲۸، صفحه ۲۹-۱۹.
- اسلام دوست، ثریا (۱۳۸۹). اعتیاد، سبب شناسی و درمان، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- باقری معصومه؛ نبوی‌عبدالحسین؛ ملتفت حسین؛ نقیپور فاطمه (۱۳۸۹). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر پدید هیاعتیاد در شهر اهواز. مجله جامعه شناسی کاربردی، سال سوم، شماره ۷، صفحه ۲۴-۱۷.
- بیابانگرد، اسماعیل (۱۳۷۶). روانشناسی نوجوانی، اجتماعی شدن و رشد جمعیت تربیت، ماهنامه پرورشی آموزش و پرورش، سال دوازدهم، شماره هفتم، صفحه ۴۰-۳۲.
- پرویزی سرور، احمدی فضل ا... (۱۳۸۵)، گروه همسالان و سلامت، فصلنامه علمی پژوهشی فیض، دوره دهم، شماره ۴، صفحه ۳۷-۳۰.
- پور محمدی، صدیقه (۱۳۸۳). بررسی راههای افزایش مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان دختر و پسر دوره متوسطه ناحیه یک یزد گزارش پژوهش، مدیریت آموزش و پژوهش استان یزد.
- توسلی غلامعباس (۱۳۸۷). جامعه شناسی آموزش و پرورش، دیروز امروز فردا، انتشارات تهران علم.
- ثمری عیسی؛ آتشک، محمد (۱۳۸۸). تأثیر میزان شناخت و کاربست فناوری آموزشی توسط معلمان در بهبود کیفیت فرآیند یادگیری دانش‌آموزان. مجله علمی پژوهشی فناوری آموزش، سال چهارم جلد ۴، شماره ۲، زمستان، ص ۱۰۱-۱۱۱.
- حسن زاده رمضان، رضایی عباس (۱۳۸۹). آسیب شناسی ناشی از فن آوری اطلاعات و ارتباطات در دانشجویان، فصلنامه فناوری اطلاعات و ارتباطات در علوم تربیتی، سال اول، شماره اول، صفحه ۶۷-۵۹.
- حکاک نیا، سیده (۱۳۸۶). بررسی راههای افزایش مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان دختر دوره راهنمایی ناحیه دو یزد، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی، دانشگاه یزد.
- دانشور مقدم، محمد (۱۳۸۴). مقایسه رشد اجتماعی دانش‌آموزان مدارس راهنمایی دخترانه و

- پسرانه شهر مروست در سال تحصیلی ۱۳۸۴-۱۳۸۳، مدیریت آموزش و پژوهش استان یزد.
- رحیم زاده (۱۳۸۲). بررسی تحول روانی اجتماعی در ورزشکاران ورزشهای انفرادی و گروهی در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی، مجله دفتر مطالعات و تحقیقات روانشناسی و علوم تربیتی، سال پنجم، شماره هفت، معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی تهران .
- سالنامه آماری استان یزد (۱۳۸۹). دفتر آمار و اطلاعات معاونت برنامه ریزی استانداری یزد .
- سیدزاده نوش آبادی، سادات (۱۳۸۰). بررسی ارتباط بین رشد حرکتی و رشد اجتماعی دانش آموزان دختر ورزشکار و غیر ورزشکار سوم راهنمایی منطقه تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی دانشگاه تهران .
- عنصری، مهیار (۱۳۸۶). رابطه بین سلامت روان و شادکامی دانشجویان دختر و پسر، فصلنامه اندیشه و رفتار (روانشناسی کاربردی) زمستان ۱۳۸۶؛ ۲(۶): ۷۵-۸۴.
- رج الهی مهران، ظریف صنایعی ناهید (۱۳۸۸). آموزش مبتنی بر فن آوری اطلاعات و ارتباطات در آموزش عالی، مجله راهبردهای آموزش زمستان دوره ۲ شماره ۴.
- قانعی راد محمد امین، خسرو خاور فرهاد (۱۳۸۵). نگاهی به عوامل فرهنگی موثر در افزایش ورود دختران به دانشگاه‌ها، مجله زن در توسعه و سیاست، شماره ۱۶، دوره چهارم ص ۱۱۵-۱۳۸.
- قریشی راد فخرالسادات، صداقت کامران (۱۳۸۸). بررسی نقش عوامل فرهنگی، اجتماعی مرتبط با شکل گیری اعتماد اجتماعی شهروندان تبریز، مجله پژوهشی علوم انسانی دانشگاه اصفهان زمستان، شماره ۳۶، دوره بیستم صفحه ۷۵-۱۰۲.
- قنادان محمود، اندیشمند ویدا (۱۳۸۸). نقش دانشگاه در ایجاد سرمایه اجتماعی به منظور آرایه الگوی پیشنهادی برای ارتقاء نظام آموزش عالی کشور، مجله دانش و پژوهش در علوم تربیتی، دانشگاه آزاد خوراسگان، شماره ۲۳، ص ۲۳-۴۴ .
- کریمی علویچه، مهدی؛ شریف خلیفه سلطانی، سید مصطفی؛ بختیار نصرآبادی، حسنعلی (۱۳۸۸). چشم اندازهای کاربری فناوری اطلاعات و ارتباطات در فرآیند یاددهی و یادگیری آموزش عالی، فصلنامه انجمن آموزش عالی ایران، سال اول، شماره ۴۵، صفحه ۱۶۸-۱۷۹.
- کریمی، یوسف (۱۳۸۷). روانشناسی اجتماعی تعلیم و تربیت، تهران، مؤسسه نشر ویرایش.

- گلشن فومنی محمد رسول (۱۳۸۸). جامعه شناسی آموزش و پرورش، تهران نشر دوران چاپ دهم .
میرزایی سید ایت ا...، خسرو جردی محمود (۱۳۸۸). بررسی اعتیاد در نوجوانان، فصلنامه راهبرد، سال
هجدهم، شماره ۵۳ صفحه ۲۱۳-۲۲۵.
- ناصری تفتی، نگین؛ پاکدامن شهلا؛ عسکری علی (۱۳۸۷). نقش ورزش و رگه‌های شخصیت در تحول
روانی، اجتماعی دانشجویان، فصلنامه روانشناسان ایرانی، سال پنجم شماره ۱۷.

Eysenbach G, Jadad AR (2001). Evidence-based patient choice and consumer health informatics in the internet age. *J Med Internet Res*; 3:19

Montemayor, R. (1983). Parents and adolescents in conflict. In Muuss, R.E (1990). *Adolescent behavior and society* (4 th ed). New York, McGraw-Hill publishing. Co

Passey, D. (2006). Technology enhancing learning: analyzing use of information and communication technology by primary and secondary school pupils with learners frameworks. *The curriculum Journal*; 16(2):139-166

Stnsaker B, Massen P, Borgan M, et al (2007). Use, updating integration of ICT in higher education. *Linking purpos people and pedagogy. Higher education*; (54):417-433.

Wang Q (2008). A generic model for guiding the integration of ICT into teaching and learning. *innovations in education and Teaching International*; 45(4):411-419.